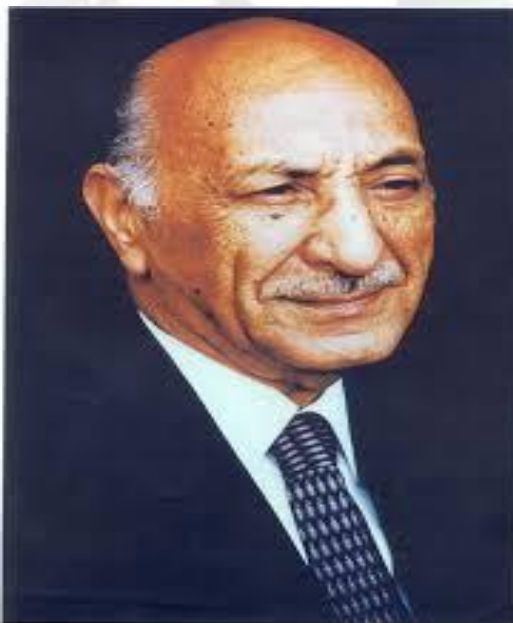




۲۰۱۶/۰۷/۲۷

داکتر نجیب بارکزی

## اعلیحضرت بابای ملت در ۴۰ سال حکومتش چه کرد؟



افغانستان عزیز در دورهٔ چهار سال سلطنت فرخندهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر شاه "بابای ملت" توانست فاصلهٔ بیشتر از یک قرن را در عرصهٔ های مختلف انکشاف و ترقی ببیماید.

### قسمت سوم

#### تفحصات نفت و گاز افغانستان :

قبل از جنگ عمومی دوم حکومت سردار محمد هاشم خان قرارداد امور تفحص و استخراج نفت را برای بار اول در تاریخ افغانستان با کمپنی امریکائی اینلند اکسپلوریشن (Inland Exploration Co.) برای ۷۵ سال امضاء کرد. و لیکن کمپنی بعد یک سال سروی به بهانهٔ اینکه اوضاع بین المللی رو به وخامت می باشد، امتیاز را فسخ نمود. اما علت اصلی آن بود که علانم منابع سرشار نفت عربستان سعودی کشف گردیده بود و استخراج و صدور آن آسان تر

و بی درد سر تر بود. بعد از جنگ عمومی دوم حکومت سردار شاه محمود خان به فکر استخدام یک کمپنی فرانسوی افتاد، اما آنهم به نتیجه نرسید زیرا دولت شوروی وقت فعالیت متخصصین غربی را در سرحدات کشور خود تحمل نمی کرد. در اوائل حکومت سردار محمد داوود خان موضوع تفحص، کشف و استخراج نفت مجدداً مورد توجه دولت قرار گرفت و تصمیم گرفته شد که اینبار کار سروری و امور تفحص نفت و گاز به ذریعۀ یک کشور بیطرف آغاز گردد. دکتر محمد یوسف، وزیر معادن و صنایع وقت به ستاکهولم سویدن رفت تا برای تفحصات نفت یکی از کمپنی های سویدنی را استخدام نماید. وی با یک کمپنی سویدنی که در امور برمه کاری و تفحص ذخائر معدنی تخصص داشت موافقت نمود که در انگت سرپل ولایت بلخ به برمه کاری بپردازد. چنانچه برمه اول به نفت سبک رسید و کار کمپنی انجام یافت و برمه کاران برفتند.

اینک علائم ذخائر نفتی مشهود گردید و استخراج و استفاده از آن مورد دلچسپی شدیدتر قرار گرفت. اما سروری منابع نفتی ایجاب تحقیقات مبسوط جیالوجی، جیوفزیک و برمه کاری های امتحانی را می کرد که این همه مصارف هنگفت و کارمندان متخصص را ایجاب میکرد، که هیچکدام در حیطة و قدرت کشور نبود.

بالاخره قرار بر این شد که یک تن متخصص شوروی دعوت شود تا از نتیجۀ برمه کاری انگوت سرپل دیدن کند و به تفحصات ابتدائی بپردازد و نظر خود را پیش کند. متخصص شوروی (نخوسوف) ذخیره نفت انگوت را در حدود شش ملیون تن تخمین نمود. پس اگر در یک تپه این مقدار نفت نهفته است در شمال و غرب و جنوب چه مقادیری ذخیره خواهد بود؟

بالاخره حکومت تصمیم گرفت که از دولت شوروی قرضه دریافت گردد و تحقیقات نفت ذریعۀ متخصصین شوروی صورت بگیرد. همان بود قرضه هشتاد ملیون روبل اخذ و تأسیسات بزرگ تفحصات پترول در شمال بوجود آمد و اداره آن بدست متخصصین افغانی سپرده شد و البته همه امور تخنیک و فنی بدست متخصصین شوروی بود و انجنیران محدود افغانی وسائل آنرا داشتند که نتایج کار آنها را بررسی کنند. تحقیقات به تپه های سرپل (انگوت و یتیم داغ) آغار و بعداً به ساحه شبرغان و سپس در حوالی بلخ امتداد یافت و کشف ذخائر معتدابه گاز واصل گردید که در نتیجۀ آن کارخانه تولید برق و تولید کود کیمیای آذوتی در نظر گرفته شد و قرارداد های صدور گاز به شوروی برای تادیه قروض آن عقد گردید و هم مقادیری که احتیاجات روز افزون کشور را تلافی کند کشف گردید.

در چوکات این پروژه بزرگ شهرک های زیبای صنعتی در مزار شریف و شبرغان بوجود آمد که از فیض آن هزاران خانواده افغان در شمال کشور صاحب مال و منال گردیدند.<sup>۱</sup>

➤ فابریکه جن و پرس مزارشریف. انکشاف پخته در قندوز محدود نمانده بلکه سیر خود را در ولایات همسایه نیز پیمود. تاجران متشبث مزارشریف بنیاد فابریکات را در چوکات سرمایه گزاری های خصوصی گذاشتند. یکی از این پروژه های عام المنفعه فابریکه نساجی بلخ بود که توسط متخصصین فرانسوی یکی از مدرنترین فابریکات نساجی در منطقه اعمار گردید.

➤ اعمار فابریکات جنگلک در کابل، دپارتمنت های مختلف حجاری و نجاری، بتون سازی، پایه سازی، موبل

---

۱- معلومات در رابطه با انکشاف پروژه های نفت و گاز از لایلای یاد داشت های جناب انجنیر احسان الله میار گرفته شده است. جناب انجنیر میار در آن زمان ریاست بورد متخصصین را در وزارت معادن و صنایع افغانستان به عهده داشتند، همچنان به حیث نماینده دولت در آن پروژه ها وظیفه کوردینیشن و هماهنگی امور را متعهد بودند.

سازی، سنگ تراشی و غیره به کمک و همکاری انجنیران المانی،

➤ اعمار فابریکات جنگلک برای ترمیم موتورها دولتی و سرویس های شهر کابل و عراده جات اردوی افغانستان (غیر حربی)، فلز کاری، پایه سازی و غیره به کمک و همکاری انجنیران چکی که هزاران باشندۀ کابل و شش گروهی آنرا صاحب کار، شغل و درآمد ساخت.

➤ اعمار فابریکه های کشمش پاکی و صادرات میوه تازه و خشک در کابل و قندهار که نه تنها سبب کار دادن و شغل و درآمد عدۀ کثیری از مردم و خانواده های شان شده بود بلکه در عواید اسعاری مملکت نیز کمک میکرد.

➤ اعمار اولین میدان هوایی در ناحیۀ خواجه رواش کابل (در تاریخ افغانستان)<sup>۲</sup> صرف برای پرواز های داخلی اعمار گردیده بود. بعداً میدان های طیاره مزارشریف، قندز و هرات.

➤ اعمار میدان و ترمینل هوایی مدرن قندهار که برای پرواز های ترانزیتی کشور های نیم قاره هند و شرق اقصی در نظر گرفته شده بود. این پروژه با در نظر داشت زیبایی فرهنگی مهندسی منطقه (لشکرگاه)، و مزج آن با تکنالوژی مدرن جهان توسط مهندسین و متخصصین امریکائی اعمار گردید.

➤ اعمار اولین میدان بین المللی طیاره در کابل

➤ اعمار فابریکه بایسکل سازی پامیر در کابل،

➤ فابریکه بوت آهو در کابل،

➤ فابریکه کود و برق مزارشریف،

➤ اعمار سیلو ها در کابل و چند ولایت دیگر،

➤ اعمار فابریکه پلاستیک سازی در ساحه "پل چرخي" ساحه پارک صنعتی کابل،

➤ ایجاد مؤسسات و دستگاه های ساختمانی در کابل:

• دستگاه ساختمانی افغانی ACUK که به معیار کمپنی های جهانی فعالیت می کرد

• دستگاه ساختمانی هلمند،

• دستگاه ساختمانی افغانی،

• دستگاه ساختمانی بنائی،

• دستگاه ساختمانی سپین غر، و غیره

• دستگاه ساختمانی کابل فلز،

برای اینکه پروژه های بزرگ صنعتی در کشور با کیفیت و ستندرد جهانی اعمار گردیده بتواند و در نتیجه آن

کاریگران افغانی به سوئه ممالک پیشرفته تربیه شده بتواند دولت به دو کمپنی المان غرب:

• دستگاه ساختمانی هوختیف آلمانی

• و فلیپ هولسمن اجازه داد که در افغانستان کار کنند.

نمونه های بارز کارهای این دو کمپنی یکی دستگاه تولید برق ماهیپر، هوختیف، و از دومی فابریکه پشمینه بافی

۲- چون اولین میدان های طیاره در افغانستان و خاصتاً میدان بین المللی کابل در زمان سلطنت فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بابای ملت اعمار شده جا دارد به پیشنهاد جناب ولی احمد نوری که به تاریخ بیست و یکم اگست ۲۰۰۷ میلادی طی مقاله وطن پرستانه ای در پورتال افغان جرمن آنلاین از ملت قدردان افغانستان تقاضا نموده بود که میدان بین المللی کابل را به نام میدان ظاهر شاه نام گذاری نمایند، جداً عطف توجه شود.

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/walinouri\\_peshnehad\\_ba\\_hozor\\_melat\\_agh.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_peshnehad_ba_hozor_melat_agh.pdf)

کابل را میتوان نام برد.

قابل تذکر است که برای بار اول در تأریخ افغانستان خشت پخته به ستندرد قبول شده بین المللی توسط کمپنی هوختیف تولید گردید که این پروسه به نوع خود در منطقه یک نوآوری بزرگ بود. علاوه بر این ما شاهدیم که هزاران کارگر افغانی بسویۀ جهان پیشرفته تربیه گردید که ساختمان های بعدی در پایتخت افغانستان مرهون عرق ریزی آنها می باشد.

ایجاد شرکت های صنعتی و تجاری که در زندگی اجتماعی و عواید دولتی نقش مهمی داشته اند، از قبیل:

- شرکت بین المللی ترنسپورتی افسوتر،
- شرکت صادرات بین المللی،
- شرکت تجارت و صادرات قالین افغانی،
- شرکت تولید و صادرات پوست قره قل افغانی

ایجاد بانک های مختلف که در زندگی مادی و مالی و مترقی افغانستان نقش بسزایی بازی کرده اند:

➤ بانک مرکزی "دافغانستان بانک" که برای اولین بار در تأریخ افغانستان در زمان صدارت سردار محمد هاشم خان و در ابتدای سلطنت اعلیحضرت بابای ملت پا بعرضه وجود گذاشت و مسایل پولی، مالی، بودجوی، عواید و مصارف دولتی و مؤسسات تجاری و صنعتی مملکت مانند یک کشور پیشرفته و متمدن جهان تحت کنترل آمد

➤ بانک ملی افغان که یک بانک و یک تشبث خصوصی بود با کمک و استعانت تجار افغانی با درایت و ذکاوت و پشت کار سرمایه دار بزرگ افغانستان جناب عبدالمجید زابلی به میان آمد که در ساحه ایجاد فابریکات و مؤسسات صنعتی، تولیدی و تجاری مصدر خدمات بزرگ گردید و به هزاران تن اهالی افغانستان را صاحب کار، شغل و درآمد ساخت. از طرف با دادن بورس های تحصیلی و فرستادن شاگردان ممتاز لیسه ها و مکاتب به خارج بزرگترین خدمت فرهنگی را برای افغانستان انجام داده است،

➤ بانک صنعتی برای کمک و معاونت مادی و رهنمایی معلوماتی برای اهل صنعت و پیشه های وطن،

➤ بانک تجاری برای کمک و معاونت مالی و معلوماتی و ترانفسر های پولی بصورت مطمئن برای تجار افغانی،

➤ بانک زراعتی برای کمک و معاونت مالی و دادن قرضه ها به دهاقین و زمینداران جهت خریدلری کود و احتمالاً تراکتور های زراعتی. باری این بانک ۴۰۰ عراده تراکتور را از کشور هندوستان خریداری نمود و به اقساط طویل المدت به دهاقین و زمینداران توزیع نمود که میتوان آنرا بزرگترین خدمت در راه بهتر شدن و مدرنیزه شدن زراعت در افغانستان محسوب نمود،

➤ بانک عمرانی برای کمک و معاونت مادی برای افغان های که می خواستند فابریکه ای بسازند یا مؤسسه صنعتی و تولیدی را اعمار کنند و یا هم برای سکونت خود می خواستند منزلی تعمیر نمایند این بانک برای قرضه های طویل الدت و رهنمایی ها و معلومات های ساختمانی در خدمت مردم بودند،

مهمترین تصمیم و اعمار مرکز فرهنگ، تحصیل و تعلیمات عالی هم در عصر فرخنده بابای ملت گرفته شده

➤ ایجاد اولین پوهنتون افغانستان در کابل است که با اعمار شفاخانه نادرشاهی که بعداً علی آبادش نامیدند و فاکولته طب کابل آغاز گردید. آنهم در بالای زمین های شخصی مادر اعلیحضرت محمد نادر شاه که بعداً اعلیحضرت شهید و فرزند برومند شان بابای ملت این زمینها و این جایداد را به جوانان افغانستان اهداء نمودند.

ار کار های عمده دیگری که در دوران سلطنت صورت گرفته و باید یادآری شود این ها اند:

- تأسیسات و بنا های دولتی،
- توزیع کوپون مواد اولیه به مأمورین،
- ایجاد کوپراتیف ها برای مأمورین و مستخدمین دولت
- ایجاد اتحادیه های صنفی
- توشیح قوانین مخصوصاً قانون اساسی عصر دیموکراسی،
- اعمار مطابع دولتی و غیر دولتی،
- اعمار میکروریان ها و منازل رهاپشی مدرن برای مأمورین و مستخدمین دولت و دیگر مؤسسات،
- تشکیل احزاب سیاسی
- ایجاد سفارت خانه ها و قنصلگری ها در همه اکناف و کشور های جهان،

خلاصه اگر در باره تمام کار ها و ساختمان ها و اعمار فابریکه ها ، ایجاد صد ها و صد ها مکاتب ابتدایی، ثانوی و لیسه ها و پوهنخی ها و پوهنتون ها و سرک ها و شاهراه ها و تونل ها و کانال ها و غیره و غیره بنویسیم هزاران هزار صفحه بکار است و دل تنک این مقاله زور آنرا ندارد.<sup>۳</sup>

اکنون همه مجبور به اقرار این حقیقت می باشیم که کار هایی را که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در دوران چهل سال سلطنت خود در افغانستان عزیز انجام داده است، بینظیر است و کسی دیگر تا اکنون از عهده آن بدر نیامده است.

اعلیحضرت بابای ملت، برای رشد صنعت کوشش خیلی زیادی میکرد، با ایجاد فابریکه های تولیدی و ارائه امتیازات فوق العاده به کارگران کارخانجات سعی می نمود تا از دوام آن مطمئن و از ورشکستگی آن جلوگیری نماید، طور مثال چند سال قبل کاریگران فابریکه نساجی پلخمری با اعتراض از عملکرد اداره جدید خواهان برآورده شدن امتیازات را که "بابای ملت" چند دهه قبل برایشان مبنی بر توزیع خانه ها رهاپشی در برابر مدت کار تعهد نموده بودند، خواستار برآورده شدن آن وعده ها از جانب حکومت کرزی شدند و چنین ادعا نمودند " در دیدار کارگران فابریکه نساجی افغان-پلخمری با رئیس جمهور کرزی فرمودند که این فابریکه در سال ۱۳۲۱ ه ش به فعالیت آغاز نموده است، قرار تعهد اعلیحضرت بابای ملت در آن زمان کسانیکه برای پانزده سال درین فابریکه کار کنند، سند ملکیت خانه های رهاپشی آن فابریکه که در آن زندگی میکنند برای شان داده میشود."

در آنزمان افغانستان از لحاظ تولیدات زراعتی متکی بخود بوده سالانه صادرات میوه جات خشک و تازه، پوست و قالین، نباتات طبی را داشت. که توازن اقتصاد کشور را مستحکم حفظ نموده بود. در طول سلطنت "بابای ملت" نرخ اسعار ثابت بوده از ۳۴ افغانی هیچگاه بلند نرفته است. تأسیس سرای صرافی شهزاده<sup>۴</sup> مشکلات هزاران تاجر

۳- بقرار گفته یکی از نامزدان ریاست جمهوری "قطب الدین هلال" که خود یکی از اعضای حزب اسلامی و به اصطلاح مبارزین برضد حکومت و منتقدین سلطنت بابای ملت بود، و اکنون کاندید ریاست جمهوری در انتخابات ۱۳۹۳ نیز میباشد، چند روز قبل با مصاحبه ایکه با (تلویزیون ۱) کابل داشت، در جریان معرفی به اصطلاح برنامه های کاری اش چنین گفت: «افغانستان چهار فابریکه نساجی داشت که در آن ۴۰ هزار تن مصروف کار بودند، تنها در فابریکه کود و برق مزار شریف و فابریکه نساجی بگرامی در هر کدام ۵۰۰۰ تن مجموعاً ده هزار نفر مصروف کار بودند. چرا این فابریکه ها دوباره احیا نمی شود؟»

۴- مراد از سرای شهزاده عبدالعزیز سدوزایی است (از إحفاد احمد شاه بابای درانی سدوزایی امپراتور بزرگ افغانستان که امپراتوری اش از آمو تا اتک و پایتخت تابستانی اش کابل و پایتخت زمستانی اش دهلی بود) و در کنار دریای کابل قبل از مسجد جامع پل خشتی واقع می باشد.

و سایر افغان ها را مرفوع ساخته است که الی امروز این مارکیت بحیث بزرگترین مرکز تبادلۀ اسعاد به سطح کشور موجود است.

با اعمار مکاتب در سراسر افغانستان و جبری ساختن جذب متعلمین به مکاتب یکی از اقدامات خیلی مؤثر اعلیحضرت بابای ملت در راستای ترقی و رفای کشور بوده است، برای سرعت بخشیدن هرچه سریعتر محو بیسوادی، برنامه های سواد آموزی را برای بزرگسالان هم روی دست گرفت که نظر به مؤثر بودن آن حتی ایران هم همین برنامه سواد آموزی افغانستان را در کشورش تطبیق نمود. آقای "عبدالحمید مبارز درین مورد چنین می نویسد " پروگرام سواد آموزی یکی از پروژه های بسیار مهم "اعلیحضرت بابای ملت" بود که یونسکو این پروژه را به حیث یک پروژه مؤثر می شناخت، همین بود که در آن زمان اداره ایران طی یک نامه ای کتاب های سواد آموزی افغانستان را مطالبه کرد چون سیستم سواد حیاتی افغانستان برزندگی پیدا کرده بود."<sup>۵</sup>

با تکمیل نمودن مؤفقانۀ پلان پنج ساله اول چون افغانستان در جاده هموار ترقی و انکشاف قرار گرفته بود از سراسر جهان متخصصین به افغانستان سرازیر شدند و افغانستان در بین کشورهای همسایه پیشتاز شده بود. درین مورد هم آقای عبدالحمید مبارز چنین مینویسد "تماس با متخصصین پروژه های خارجی مکتب دیگری بود که کارگران افغان را از لحاظ فکری و هم دانش تخنیکی مجهز می ساخت که مثال مهم آن پروژه وادی هلمند بود که از آن دستگاه ساختمانی افغانی، هلمند و دیگر مؤسسات ساختمانی مختلط ملی و شخصی بوجود آمد. دیگر افغانستان به سوی جاده ترقی رهسپار شده بود، زیرا پلان های اقتصادی ۵ ساله را مؤفقانه به عقب گذاشته بود، و تازه صدها متخصص تحصیل کرده از غرب و شرق، از شمال و جنوب، وارد افغانستان می گردیدند. در آن زمان بود که، ننگرها به مقایسه پشاور شهر پیشرفته تر بود، هرات با مشهد رقابت می کرد، و مزار و شبرغان با استخراج نفت و گاز از شهرهای همسایه اش در ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان بیشتر بود نه عقب مانده تر."<sup>۶</sup>

من یک تعداد از کار نامه های اعلیحضرت شان را که هر کدام در زمان خویش یک شهکار بوده است، به صورت مشتمل نمونه خروار در سه بخش بالا عرض کردم و در بخش های آینده امید است بتوانم به تفصیل بیشتر پیرامون اندیشه های مترقی اعلیحضرت بابای ملت معلومات عرضه نمایم تا باشد از کتمان حقایق که در مورد آن زمان صورت گرفته و می گیرد جلوگیری شده بتواند و نسل جوان و نسل های آینده را در قضاوت درست و عادلانه در مورد " اعلیحضرت بابای ملت" و رهبران پر افتخار دیگر ما یاری نماید.

قبل از آنکه فراتر پاگذاریم در نظر دارم که بالای دو نکته اساسی میسر گراندین انکشاف میهن ما مختصر مکتی پوشیده از هیچ فردی نیست که بنیاد اساسی هر قدم بصوب ارتقای یک کشور بهره بردن از جهان علم است و باز هم بهره گیری از علم و دانش است.

در طول زعامت اعلیحضرت بابای ملت، عواید کشور متناسب به کشورهای همسایه ناچیز بوده، و لیک بزرگترین رقم بودجه عادی سالانه کشور در قدم اول در راه دفاع میهن و قلم دومی در راه ارتقای معارف بوده که این خود نشانه ای از ترویج علم و دانش برای مردم عام است.

خوانندگان گرامی شاید مثالی فراهم کرده نتوانند که مانند وزارت معارف افغان ها برای شاگردانی که در فاکولته

۵- کتاب «از سقوط سلطنت الی ظهور طالبان» تألیف عبدالحمید مبارز، چاپ کابل ص ۱۳۲

۶- کتاب «از سقوط سلطنت الی ظهور طالبان» تألیف عبدالحمید مبارز، چاپ کابل ص ۱۳۴



های افغانستان نام نویسی می کردند ماهانه یک معاش برای شان تعیین نموده و تا جائیکه از دوستان اطلاع دارم برای شاگردان پوهنخی حقوق یک عراده بایسکل می دادند. مثال بالا به ۶۰ سال قبل تعلق می گیرد. موضوع بعدی که باز هم به روشن سازی مردم تعلق می گیرد، انکشاف مطابع دولتی است. در اوائل پادشاهی اعلیحضرت بابای ملت رونامه های شهر کابل با تخنیک کهنه حروف چینی طبع می گردید. لیک زمانی بسر رسید که مطابع دولتی با مدرنترین ماشین های لیتوتایپ هیدلبرگ آلمان غربی مجهز گردید. بیشتر از این بحث را از حوصله این مقال بیرون می بینم. برمیگردیم بادامه گذشته!

## شاهراه های مهم

که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه "بابای ملت" در افغانستان اعمار شده است:

➤ شاهراه کابل - مزارشریف:

در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی (۱۹۶۴م) شاهراه کابل به مزار با سوراخ کردن دل هندوکش و اعمار تونل بزرگ سالنگ به ارتفاع ۳۳۶۳ متر از سطح بحر و طول ۲۷۰۰ متر (۲ اعشاریه ۷ کیلومتر)، با پیش بینی عبور ده هزار موتر در روز، در دل کوهساران بلند و با جبال شامخ هندوکش، که یکی از شهکار های مهندسی و آبداتی قرن بیستم در افغانستان بود و هست، ساخته شد. در درآمد هر دو طرف تونل، تاریخ آغاز کار آن، تاریخ انجام کار آن و اینکه این شهکار بزرگ در عصر فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه ترقی خواه افغانستان آغاز شده و انجام یافته و افتتاح شده و با کتیبه در مدخل جنوبی تونل ثبت گردیده بود. با تأسف که بعد از کودتا ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هجری شمسی اسم اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در این کتیبه تراش گردید و این جاهلان فکر می کردند که ورق تاریخ را نابود می کنند. معتقدم که سردار محمد داوود خان از این بازی های سفله اطلاع نداشت. بعد از حاکمیت بیچاره از بیچاره ها دست نشانده پاکستانی ها جمعیت ربانی و قوماندان مسعود، طوریکه در عکس مشاهده می شود تا اکنون عکس قوماندان مسعود را در آنجا نصب کرده اند. با گواه تاریخ ربانی و مسعود در تاریخ افغانستان جزء یک لکه سیاه بدنمود چیزی باقی نمانده است.



تونل سالنگ در مسیر شاهراه کابل - مزار شریف و قطغن

در پهلوی ساختمان پروژه شاهراه سالنگ بایست گفت که در آن وقت برای بار اول مفکوره ایجاد قوای کار در میان آمد. قوای کار متشکل از یک اردوی کارگران بوده که تعداد آن به بیست هزار نفر میرسید. قوماندانی قوای کار در چوکات وزارت

فواید عامه گنجانیده شد و شاهراه شمالی با تونل سالنگ به قوت بازوی توانای این مردان اعمار گردید. بعد تکمیل شاهراه شمالی افغانستان دارای بیست هزار نفر کارگر ماهر گردیده که در سراسر پروژه های افغانستان نشانه های از دستان توانای آنها نشانی مانده است. بجاست که ما امروز به بیاس خدمات شان احترام نمائیم

پایان قسمت سوم  
ادامه دارد

